

**"Time lapse" has always been discussed by legal thinkers as an important and influential legal establishment**

Abstract

"Time lapse" has always been discussed by legal thinkers as an important and influential legal establishment in criminal proceedings and from the point of view of legal thinkers in the foundations of this legal establishment, acceptance or non-acceptance of its conditions and its applications in domestic and criminal law between There is international disagreement.

This institution was accepted after the Islamic Revolution and in 1378 for deterrent crimes, then in 1392 in the Islamic Penal Code within the limits of punishments, and also according to Law 29 of the Statute of the International Criminal Court, crimes of genocide, crimes against humanity, War crimes and aggression have been removed from its scope, and the same procedure has been followed for other international crimes in other international instruments.

This article has been done using library resources and descriptive-analytical method with the aim of examining the principles and reasons for accepting and denying the passage of time in criminal law and international documents and has concluded that the most important principles and reasons for accepting the passage of time as a rule In domestic criminal law, "correction of the offender" and "disappearance of evidence", "fear of punishment", "destruction of social and family status", "loss of rights due to negligence of the judiciary" and "creation of acquired rights for the offender". On the other hand, an important reason for using the negation of the passage of time in international criminal law is the removal of a major impunity barrier in international law, and this institution is different from other joint institutions and institutions of domestic and international law and is essentially a domestic institution

**بررسی مبانی و دلایل پذیرش مرور زمان در حقوق کیفری و نفی آن در اسناد بین‌المللی**مظاهر عادلنیا نجف آبادی<sup>۱</sup>محمدرضا رحمت<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۲/۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۰۵

**☆چکیده☆**

"مرور زمان" همواره مورد بحث اندیشمندان حقوقی تحت عنوان یک تاسیس حقوقی مهم و تاثیر گذار در فرآیندهای دادرسی کیفری بوده و از نظر اندیشمندان حقوقی در مبانی این تاسیس حقوقی، پذیرش یا عدم پذیرش شرایط آن و موارد کاربردی آن در حقوق داخلی و کیفری بین‌المللی اختلاف نظر وجود دارد.

این نهاد پس از انقلاب اسلامی و در سال ۱۳۷۸ نسبت به جرایم بازدارنده پس از آن در سال ۱۳۹۲ در قانون مجازات اسلامی در محدوده تعزیرات پذیرفته شده و همین طور به موجب قانون ۲۹ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، جرایم نسل‌کشی، جنایت ضد بشریت، جنایت جنگی و تجاوز، از مشمولات آن حذف شده است و نسبت به سایر جرایم بین‌المللی در دیگر سند های بین‌المللی نیز همین رویه مد نظر قرار گرفته است.

این مقاله با استفاده از منابع کتابخانه و با روش توصیفی-تحلیلی و با هدف بررسی مبانی و دلایل پذیرش و نفی مرور زمان در حقوق کیفری و اسناد بین‌المللی انجام گرفته و به این نتیجه رسیده است که مهمترین مبانی و دلایل پذیرش مرور زمان تحت عنوان یک قاعده در حقوق کیفری داخلی، "اصلاح مجرم" و "از بین رفتن ادله جرم"، "ترس از مجازات"، "تخریب پایگاه اجتماعی و خانوادگی" سقوط حق بر اثر مسامحت تشکیلات قضایی" و "ایجاد حق مکتسب برای مجرم" بوده است و از طرف دیگر دلیل مهم استفاده از نفی مرور زمان در حقوق بین‌المللی کیفری کنارگذاری یک مانع بزرگ بی کیفر مانی در حقوق بین‌المللی است و این نهاد با دیگر تأسیسات و نهادهای مشترک حقوق داخلی و بین‌المللی متفاوت است و اساساً یک تاسیس داخلی می باشد.

**واژگان کلیدی:** نهاد مرور زمان، حقوق داخلی و حقوق کیفری بین‌المللی، نفی مرور زمان، بی کیفر مانی.

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، گروه حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد یزد، یزد، ایران M.asafa1390@gmail.com

<sup>۲</sup> استادیار و عضو هیئت علمی گروه حقوق دانشگاه میبد، میبد، ایران: (نویسنده مسئول) Rahmat@meybod.ac.ir

وقتی در جامعه پدیده مجرمانی رخ دهد، آن جامعه تحت نگرانی و اضطراب قرار می‌گیرد و در این شرایط حکومت سعی در تعقیب مجرم و مجازات کردن او برای پاسخ به نگرانی ایجاد شده در جامعه دارد.

حال اگر جامعه موفق به دستگیری و مجازات مجرم به دلایل مختلفی مانند، عدم شکایت مجنی‌علیه یا ناتوانی در دستگیری و مجازات مجرم شد و با گذشت زمان پدیده مجرمانه مورد نظر فراموش شود، با شکایات و پیگیری‌های مجدد بار دیگر جامعه دچار نگرانی خواهد شد که در این شرایط رسیدگی به جرم اتفاق افتاده در سال‌ها قبل و مجازات مجرم تنها راه بازگرداندن آرامش جامعه در این خصوص خواهد بود ولی با این شرایط که از پدیده جرم سالها گذشته و به فراموشی سپرده شده است، که شرایط مرور و گذشت زمان از تاریخ وقوع جرم جمع‌آوری ادله اثبات را نیز با مشکلات زیادی روبرو می‌کند.

تاسیس حقوقی "مرور زمان" در ۵۴ نظام ملی و همچنین در نظام بین‌المللی یافت می‌شود.

البته هرکدام از این نظام‌ها سهم‌های مختلفی در پذیرفتن و اعمال آن دارند، همچنین در نظام‌های ملی استقبال بیشتری از تأسیس مرور زمان به نسبت نظام‌های بین‌المللی شده است.

جوامع بین‌المللی نیز مانند نظام‌های داخلی برای حفظ ارزش‌های بنیادین جامع قوانینی را وضع می‌کنند، از این رو بین ارزش‌های بنیادین و واکنش جامعه نوعی همراه نسبت به زیر پا گذاشتن قوانین آن جامعه وجود دارد.

و در برابر جنایات بزرگ و تحت عنوان جرم انگاری جوامع بین‌المللی واکنش‌های شدیدی خواهند داشت.

این رویکرد را می‌توان از ژرف اندیشی در دیباچه و سایر مواد اساسنامه دیوان کیفری از سوی جامعه بین‌المللی دریافت. (قوام آبادی\_۱۳۹۹\_۱۷)

در این مقاله در جهت بیان دلایل و مبانی پذیرش نهاد مرور زمان در حقوق داخلی کشورها از جمله ایران و عدم پذیرش آن در حقوق کیفری بین‌المللی تلاش شده و به تشریح این تفاوت و نقد و بررسی مسائل پیرامون آن خواهیم پرداخت.

### ۱. مفهوم نهاد مرور زمان:

مرور زمان در فرهنگ لغت فارسی به معنی سپری شدن و گذشتن زمان است. (دهخدا\_۱۳۸۰\_۳۳۱)

واژه‌های انگلیسی **limitation** و **prescription** برای مرور زمان استفاده شده‌اند. (گروه مولفان\_۱۳۸۹\_۱۳۸) و

واژه "التقادم" در فرهنگ حقوق عرب برای این واژه به کار می‌رود. (ساریخانی\_۱۳۸۰\_۱۰۱)

این واژه در عرف، گذشت زمان معنی می‌شود و در موضوعات محاوره‌ای که با گذشت زمان مرتبط اند به کار می‌رود. اما طبق گفته حقوقدانان این واژه به صورت "در صورت اقامه شدن دعوی عمومی در مدت معین بر اثر

مرور زمان زایل کننده از بین می‌رود و مجرم بدون تعقیب و جرم بدون مجازات باقی می‌ماند." (استفانی و همکاران\_۱۳۸۳\_۱۷۸)

در حقوق مدنی مرور زمان عبارت است از: "گذشتن مدتی که به دلیل قانون پس از گذشت آن مدت، دیگر دعوی شنیده نمی‌شود..." (جعفری لنگرودی\_۱۳۸۹\_۲۸۶) از این رو می‌توان مرور زمان کیفری را اینگونه شرح داد: "موقوف شدن تعقیب جرم یا اجرای حکم قطعی کیفری به علت انقضای مدت تعقیب." (آخوندی\_۱۳۸۸\_۲۶۴)

البته طبق این تعریف باید زوال حق شکایت و توقف روند صدور حکم را طبق قانون مجازات اسلامی تصویب شده در سال ۱۳۹۲ اضافه کرد، پس می‌توان مرور زمان کیفری را مدت زمانی که پس از به پایان رسیدن آن، حق شکایت شاکی از بین رفته و صدور حکم برای مجازات متوقف می‌شود در نظر گرفت.

## ۲. دلایل پذیرش نهاد مرور زمان در حقوق داخلی:

طبق فلسفه این تاسیس حقوقی وقوع جرم سبب نگرانی جامعه می‌شد و بازگردانی نظم با تعقیب و مجازات مجرم امکان‌پذیر بود، حال اگر به دلیل فراموشی موضوع با گذشت زمان، تعقیب جرمی صورت نگیرد، عدم تعقیب مجدد به صلاح جامعه خواهد بود زیرا که با تعقیب مجدد زیان بیشتری به جامعه خواهد رسید.

موافقت با عدم مجازات بر اثر مرور زمان از سوی همه مکاتب نیست. از سری مکاتب مخالف با این نهاد می‌توان به مکتب ایتالیایی اثباتی و مکتب عدالت مطلق اشاره کرد و همچنین بکاربا با این که اعتقادی به زیانبار بودن مرور زمان ندارد، تاکید بر متناسب بودن مدت اهمیت جرم و مجازات دارد و مخالف اعمال این تاسیس در جرایم مهم است و معتقد هست که: "با به اثبات رسیدن جنایات جانگدازی که خاطره آنها در ذهن مردم ثبت می‌شود، مشمول مرور زمان شدن افراد بزهکار و گریزان از کیفر درست نیست." (بکاربا\_۱۳۹۷\_۷۹-۸۰)

یکی از مهمترین دلایل مورد تاکید برای مرور زمان بحث: "رعایت مصالح عمومی و اجتماعی" می‌باشد. علت مورد تاکید بودن این دلیل این است که مجازات مجرم به علت پیشگیری از تشویش در جامعه انجام می‌گیرد از این رو هرگاه انقضای مدت زمان پیگیری مجرم و مجازات به صلاح جامعه باشد، اساساً باید توجه بیشتری به آن کرد.

دولتها برای حفظ نظم جامعه، مسئولیت و تکالیف بخصصوی را بر عهده دارند و اگر چنانچه پس از گذشت زمانی طولانی موفق به ختم خصومت و مجازات مجرم نشوند، طبعاً پرونده‌های زیادی بدون نتیجه، نظام قضایی را مختل خواهد کرد و عدالت و حقوق اجتماع تضییع خواهد شد؛ در عمل نیز این مدعا به اثبات رسیده که گاهی پرونده‌های به ظاهر در جریان و در واقع راکد، دست و پای نظام قضایی کشور را بسته و قوه قضاییه را از پرداختن به مسئولیت‌های مهمتر بازمی‌دارد.

تعداد پرونده‌هایی که در نظام قضایی دولت‌ها پس از گذشت زمان طولانی به نتیجه نرسد و ختم به مجازات نشوند باعث مختل شدن نظام قضایی و مسئولیت و تکالیف دولت در حفظ نظم جامعه خواهند شد و حقوق اجتماعی تضییع خواهد شد؛ حتی این مدعا در عمل نیز دیده شده که گاهی دست و پای نظام قضایی توسط پرونده‌های به ظاهر در جریان و در واقع راکد بسته شده و آنها از پرداختن به مسئولیت‌های مهم تر باز می‌ماند.

بنابراین اگر تغییر و مجازات مجرمی پس از گذشت زمان طولانی موجب بی‌نظمی و تولید موانع در انجام وظایف دولت شود و از طرفی هم به برقراری نظم از بین رفته در جامعه کمک نکند، برای صلاح جامعه و جلوگیری از اختلال در نظم می‌توان با مرور زمان پرونده را از رسیدگی خارج کرد.

عباراتی همچون "حفظ نظام" یا "مصلح مردم" در موتون فقهی به چشم می‌خورد که می‌توان آن را به تئوری فوق ربط داد. همانطور که در قرآن کریم این دو واژه در مقابل یکدیگر به کار برده شده‌اند. مانند آیه "وَاللَّهُ يَعْلَمُ الْمُفْسِدَ مِنَ الْمُصْلِحِ"<sup>۱</sup>. صالح و مفسد در اندیشه اسلامی با مفاهیمی چون "خیر و شر"، "نفع و ضرر"، "حسنات و سیئات" دیده می‌شود موارد نافع همگی مصالح هستند و جزو خوبی‌ها دسته بندی می‌شوند و برخلاف آن مفسد همگی ضرر و بد هستند.

(در قرآن واژه رایج برای مصالح، "حسنات" و برای مفسد، "سیئات" است.)

با اشاره به کلام برخی فقها و تحلیل آنها، ادعای فوق را اثبات خواهیم کرد.

تعبیرات مقابل در کتاب جواهر از سوی مرحوم صاحب جواهر به طور مکرر استفاده شده است: "برای مثال وجوب نصب قاضی در کتاب قضاء را مستند به پیشگیری از ایجاد اختلال در نظام می‌دانند" و همینطور در جای دیگر نوشته‌اند: "از ظاهر قرآن و نه از اخبار و سخن فقیهان استفاده می‌شود که تمامی داد ستد ها و ... برای سود های اخروی و دنیوی میباشد. یعنی تشریح آن چه از نظر عرف مصلحت و سود نامیده می‌شود." (نحفی-بی تا ۲۲-۳۳۴)

بنابراین اگر چیزی موافق مصلحت عمومی و حافظ نظام باشد، از نظر فقهی به صورت مسلم و تحت عناوین ثانویه باید حکم به مشروعیت آن برای حفظ نظام و تامین مصالح عمومی داده شود.

یکی از دلایلی که در بین ادله ارائه شده بهترین دلیل و شامل همه جرایم و مراحل رسیدگی می‌باشد این است که از نظر برخی از نویسندگان حقوقی یکی از ابزارهای سیاست جنایی برای ایجاد صلح عمومی، مرور زمان می‌باشد و باید در قانون کشور وارد شود.

"اصلاح مجرم" دومین مبنای پذیرفته شدن مرور زمان در حقوق داخلی است.

یکی از اهداف قانون‌گذار در وضع و اعمال مجازات، اصلاح مجرم و پیشگیری فردی می‌باشد. از این رو دلیلی بر مخالفت با قواعدی که این نتیجه را حاصل کنند وجود نخواهد داشت. در این خصوص گفته شده است که: "پیشگیری از نگرانی عمومی و ارتکاب مجدد جرم، یکی از مهم‌ترین اهداف تعقیب و مجازات رسلندن بزهکار است. به این معنی که افرادی که مستعد جرم هستند به علت آگاهی از اقدامات مقام قضایی در مجازات مجرم و

تعقیب او، اغلب از تصمیم خود منصرف می‌شوند و به ارتکاب به جرم فکر نمی‌کند؛ اما با گذشت زمان دیگر اقدامات قضائی جنبه بازدارندگی نخواهد داشت و مستعدان جرم که نسبت به حوادث سال گذشته بی اطلاع هستند را تحت تاثیر قرار نمی‌دهد." (آشوری\_۱۳۸۹\_۱۸۳)

نظرات برخی در این باره چنین است: "فلسفه‌ی مرور زمان وقتی موثر است که مجرم توبه کند و مرور زمان قرینه بر وجود توبه باشد.

بنابراین لازم است که آثار جرم تماماً برداشته شود یا به عبارتی در جایی مجازات برجا برداشته خواهد شد، که مرور زمان اماره‌ای برای توبه باشد." (مرعشی\_۱۳۷۹\_۱۲۵)

از این رو مجرم با گذشت زمان پشیمان می‌شود و چه بسا تغییر کرده و فرد مفید برای جامعه شود.

بنابراین با گذشت مدتی باید از تعقیب و مجازات مجرم به تناسب اهمیت جرم، چشم‌پوشی کرد. زیرا در صورت عدم تعقیب و عدم مجازات چنین افرادی فایده اجتماعی آن عقلانی تر از تعقیب و مجازات آنهاست.

"با فراموشی ادله جرم با مرور زمان، نمی‌توان پس از مدتی با دلایل قوی به تعقیب جرم رسیدگی کرد؛ اثر اثبات‌کنندگی دلایلی که مدت‌ها فراموش شده‌اند از بین رفته و فقط دلیل احتمالی خواهند داشت که در اثبات جرم بی‌تأثیر خواهند بود زیرا برای اثبات جرم نیاز به یقین است.

توان بازگویی صحنه توسط شاهده‌ی که مدت‌ها قبل صحنه را دیده است با مرور زمان کم خواهد شد." (زراعت\_۱۳۹۳\_۲۹۶)

و همچنین ادله و اشیاء اثبات جرم در طول زمان تغییر خواهند کرد.

پرونده‌های بسیاری وجود دارند که شاهدین آن بر اثر گذشت زمان از دنیا رفته‌اند یا به مکان‌های دور دست مسافرت کردند و این تئوری بر خلاف تئوری قبلی شامل دعاوی عمومی (حق الله) و دعاوی خصوصی (حق الناس) می‌باشد ولی دچار مشکل است.

باید توجه شود که این تئوری را در مراحل کشف و تعقیب و تحقیق و رسیدگی به جرم می‌توان توجیه کرد و نمی‌توان آن را مبنای مرور زمان اجرای (مجازات موضوع تحقیق حاضر) قرارداد؛ چون مبنای آن قابل استماع تنها در مورد مرور زمان در دعاوی جزایی است.

همچنین باید توجه داشت که مدت زمان ارتکاب جرم تا مجازات، مجرم همواره در نگرانی و ترس از مجازات و اضطراب به سر می‌برد و زندگی سختی خواهد داشت که خود نوعی مجازات است! و بعداً نیز مشخصات خواهد شد. این خلاف عدالت خواهد بود زیرا مانند دو بار مجازات شدن مجرم است خصوصاً مجازاتی از نوع تنبیه و بیداری و زجر مجرم که مرور زمان این مجازات را فراهم می‌کند.

در خلاف این دیدگاه گفته شده که این تئوری نسبت به برخی جرایم حقیقت ندارد، خصوصاً مجرمین حرفه‌ای و با سابقه خطرناک ترسی از مجازات ندارند.

به این علت در این مبنا مرور زمان در هیچ یک از جرایم خصوصی و جرایمی که مجرم به هیچ وجه عمل خود را ضد اجتماعی نمی‌داند و اضطرابی از ارتکاب جرم نداشته و چنین اعمال آزارش نمی‌دهد و با مرور زمان دوباره مرتکب جرم می‌شود قابل توجیه نخواهد بود.

از طرفی در برخی موارد مجرم که به صورت اتفاقی مرتکب جرم شده است خانواده تشکیل می‌دهد و همین تشکیل خانواده و عشق می‌تواند سبب تنبیه او شود. در این حالت تقلب و مجازات چنین فردی به معنی تخریب پایگاه خانوادگی و اجتماعی است و به اشخاص ثالثی ضرر خواهد رساند که حتی دخالت و اطلاعی از جرم او نداشتند.

در این دیدگاه، به اثر مجازات بر خانواده مجرم توجه شده و بسیاری از کیفر شناسان تاکید دارند که مجازات‌هایی خصوصاً مجازات‌های سالب آزادی تاثیر زیادی بر خانواده فرد می‌گذارد؛ به همین دلیل تلاش در اعمال سیاست‌های حبس زدایی می‌شود.

یکی دیگر از تاثیرات مجازات رسوایی می‌باشد؛ به این معنی که از جمله عواملی که باعث کسر شان مجرم در نگاه جامعه و افراد مرتبط با او میشود داشتن سابقه اتهامی و محکومیت است. علاوه بر مشکلات اقتصادی اقتصادی ای که این موضوع برای شخص ایجاد می‌کند مانند بیکاری و نداشتن شانس استخدام، باعث ایجاد مشکل در فعالیت‌های عادی شخص نیز می‌شود؛ مثلاً شخص در بحث ازدواج و تحصیل دچار مشکل می‌گردد.

تعقیب و مجازات نشدن تبهکار در مدت زمان طولانی نشان دهنده ضعف و بی کفایتی سازمان‌های دادگستری می‌باشد و اعتماد افراد را از جامعه گردانان سرد کرده و یأس و بدبینی می‌آفریند و پس از گذشت مدت طولانی جامعه حق خود را در تعقیب مجرم از دست می‌دهد.

با گذشت روزهای متمادی از زمان وقوع جرم تا صدور حکم و مجازات برای مجرم، حق مکتسبی ایجاد می‌شود که این حق بدیهی است؛ چون متهم صرفاً در محل وقوع جرم بوده و این حق را دارد که هر چه سریعتر مورد محاکمه قرار گیرد. به نوعی می‌توان گفت، از امور عرفی می‌توان به فور اشاره کرد.

همانطور که در فور اگر بر اساس عرف اقدامی فوراً انجام نگیرد حقوق وی ساقط میشود (مثل حق فسخ نکاح) پس تاخیر نیز باید عرفی در نظر گرفته شود نه اینکه حق تاخیر تا ابد در نظر باشد!

"ایجاد حق مکتسب برای مجرم" از دلایل مطرح شده است.

"طبق نظریه ایجاد حق مکتسب، برای مجرم ایجاد حق می‌شود در صورتی که تعقیب و مجازات نشود، و جامعه نیز نمی‌تواند این حق را نادیده بگیرد. در صورتی که مجرم از سمت دستگاه تعقیب مورد غفلت قرار بگیرد و تعقیب و مجازات در زمان مقرر نشود، در اصطلاح حقوقی به آن حق مکتسب می‌گویند. (زراعت\_۱۳۹۳\_۲۹۷) مجرم

نمی‌تواند همیشه در اضطراب و ترس از تعقیب و مجازات به سر برد و باید در زمان تعیین شده محاکمه یا مجازات شود.

اگر دولت مسئولیت خود را برای حفظ نظام جامعه به درستی انجام ندهد و زمان معین تعقیب و مجازات مجرم بگذرد و مسئولان قضایی موفق به مجازات و محاکمه نشوند، در مورد مجرم حق مکتسب ایجاد شده و همچنین در مسئولیت های دولت اختلال ایجاد می‌گردد که تاثیرات منفی آن غیر قابل جبران و به مراتب بیشتر از تعقیب و مجازات مجرمین خواهد بود. زیرا هدف نهایی اجتماعی برقراری عدالت و نظم در جامعه است که با عمل مجرم به هم ریخته شده است."

### ۱. مهمترین دلایل عدم پذیرش مرور زمان در دیوان کیفری بین‌المللی:

از آغاز قرن بیستم فکر ایجاد یک دادگاه بین‌المللی کیفری برای رسیدگی به جرایم بین‌المللی وجود داشت و تلاش های زیادی توسط اعضای اجتماع بین‌المللی در زمان های مختلف به عمل آمده بود.

برای مثال دادگاه های توکیو و نورنبرگ یوگسلاوی سابق و رواندا و دادگاه های کیفری مختلط از این نمونه هستند.

اساسنامه دیوان بین‌المللی در ۱۷ ژوئیه سال ۱۹۹۸ در شهر رم از سوی نشست نمایندگان ملل متحد پذیرفته و در سال ۲۰۰۲ اجرا شد.

از مهم‌ترین اهداف دیوان بین‌المللی کیفری، محاکمه و مجازات مجرمان بین‌المللی و محو بی کیفری که به معنای عدم داشتن مصونیت در مقابل مجازات می‌باشد است؛ در واقع هدف و شعار اصلی این دیوان مبارزه با بی کیفری می‌باشد در بند ۳ این اساسنامه مقرر شده: "با تاکید بر اینکه بزرگترین جنایات که موجب نگرانی جوامع بین‌المللی می‌شوند بی مجازات نمی‌ماند."

که نشان‌دهنده مبارزه این دیوان با بی کیفری است.

در واقع این خواست نشان‌دهنده این است که دیگر شدیدترین جرایم که باعث نگرانی مجامع بین‌المللی می‌شوند بدون تعقیب و مجازات به شیوه منصفانه باقی نخواهند ماند. (نژندی منش و دیگران\_۱۳۹۵\_۹۰)

در حقوق کیفری بین‌المللی نیز مانند حقوق کیفری داخلی که هدف از مجازات پیشگیری جرم و سعی در تحقق عدالت (نوربها\_۱۳۹۲\_۱۳۵۸) بود نیز تعیین مجازات و کیفر با اهداف بازدارندگی صورت می‌گیرد یا به عبارتی دیوان بین‌المللی از طرفی مجرمان فعلی را از مجازات، و از طرف دیگر مانند یک بازدارنده عمل می‌کند. (forber\_2002) همچنین دیگر دادگاه‌های بین‌المللی هم همین ساز و کار را دارند.

مرور زمان در قوانین بسیاری از کشورها جزو عوامل سقوط دعوا و مجازات نکردن به حساب می‌آید؛ با این حال نظرات نظام های رومی-ژرمنی و کامن لا در این خصوص مشابه نیست؛ و گرایش به پذیرش مرور زمان در نظام رومی-ژرمنی بیشتر از پذیرش این اصل توسط نظام کامن لا است.



این در حالی است که نظام کامن لا مدعی است که مرور زمان شامل جرایم بزرگ شدید نبوده و به امور مدنی مربوط است؛ که این رویکرد در این نظام بیشتر به دلایل تاریخی فرهنگ پروتستان که مبنی بر مفهوم بخشش و گذشت است می باشد. (Delmas Marty\_2002\_618)

با این حال چنین موضوعی در برگزیده مرور زمان نیست و بیشتر راجع به بخشی صدق میکند.

در خصوص مرور زمان دیدگاه‌های مختلفی است که موافقان با آن برای زمان اهمیت زیادی قائل اند و معتقدند که با گذشت زمان مسائل تغییر کرده و با پیگیری دوباره جرمی که سالها پیش انجام شده، جامعه دوباره دچار نگرانی می شود و آثار جرم به مرور زمان تغییرات زیادی کرده و شهود قضیه تحت تاثیر قرار خواهد گرفت.

از طرفی دیگر مخالفان معتقدند که گذشت زمان اصل جرم را تغییر نمی دهد، پس بر اساس عدالت مجرم باید در هر صورت مجازات شده تا از این راه مرهمی بر زخم قربانیان و اولیای آنها گذاشته شود؛ و سبب و آگاهی وجدان جامعه و افکار عمومی نسبت به جرم شود. (خالقی\_۱۳۹۶\_۱۲۲-۱۲۴)

مقایسه این دیدگاهها نشان می دهد که اصل مرور زمان در اکثر نظام ها پذیرفته شده است. اما اعمال آن در امور کیفری در نظام های مختلف متفاوت است.

در نظام هایی که مرور زمان را شناسایی و پذیرفتند به آن عمل شده و در صورت نفی، آن مورد استثنا خواهد بود.

پس مدت زمان مجازات پس از جرم بر روی ماهیت و شدت جرم تاثیر گذار است. (Ruiz\_Fabri\_ DellaMorteet\_Lambert\_Abdelgaw,ad\_۲۰۰۶\_۹)

پرسش اساسی این است که آیا اعمال این تاسیس ملی درباره خیانات بین المللی مقدور است؟

مرور زمان در امور داخلی نیز انتقادات شدید از سمت علمای حقوق همچون بکاریا داشته به طوری که آن را در تضاد با قاطعیت اجرای مجازات می دانند.

از نظر بکاریا وقتی جنایتی که خاطره آن تا مدت ها در ذهن مردم باقی می ماند اثبات شود، لازم نیست که با گذشت زمان و فرار مجرم از کیفر مشمول قاعده مرور زمان گردد. (بکاریا\_۱۳۹۳\_۶۱ص)

با توجه به اختلاف نظرهای موجود در مورد مرور زمان آیا به کارگیری آن در حقوق بین المللی درست است؟

بررسی چند نکته برای پاسخ لازم است. اول اینکه به طور سنتی اختلافات از مناسبات حقوقی بین المللی و داخلی که منشاء آن دو نظریه معروف دوگانگی و یگانگی حقوقی هستند سبب ایجاد اختلافات زیادی در بکارگیری حقوق داخلی در نظام حقوق بین المللی می شود.

دوم اینکه حقوق بین المللی کیفری با توجه به سند نفی مرور زمان به کارگیری این حق را برای مجرمین بین الملل معقول نمی داند زیرا برخلاف مقتضای ذات قواعد بین المللی، در صورت عمل کردن همانند نظام های کیفری ملی

مجرم به راحتی شامل نفعی میشود که از سوی گذشت زمان به او می‌رسد، و این درحالی است که جنایات بین المللی تاثیر زیادی بر اذهان عمومی گذاشته است، پس باید به طور موثری سرکوب شود.

صلاحیت جهانی یکجمله از جلوه‌های مبارزه با چنین مجرمانی می باشد.

بر اساس آن حقوق بین الملل سعی در بکار گیریمراجع ملی به صورت سنتی برای اجرای هنجارهای سرکوبانه ی معاهده ای است.

از گذشته بزرگترین سپر بلا برای تعقیب و محاکمه مقامات عالی رتبه، مصونیت حمایت شده از سمت حقوق بین‌المللی سنتی بوده است. از موانع مهم بی کیفر مانی می‌توان علاوه بر مصونیت، به عفو و بخشش و مرور زمان نیز اشاره کرد. به دلیل نزدیکی میان این اصول فقط به تحلیل این تاسیسات حقوقی می‌پردازیم.

مبارزه با بی کیفری با سه تاسیس حقوقی مصونیت، عفو و بخشش و نیز مرور زمان به چالش کشیده می‌شود. تاسیس اول بین المللی بوده و در سطح بین‌الملل با توجه به ارتقای حقوق بشر، متحول گردیده است. برخلاف مصونیت، دو تاسیس دیگر ملی هستند و نقطه مشترک مهم در همه ی آنها متعلق بودن به قاعده ی فراموشی میباشد.

تحلیل نهاد های عفو و مرور زمان برپایه ی حق بر فراموشی دوجنبه ی مهم زیر را دارا میباشند.

1. حق تصور شده برای مجرم 2. حق تصور شده برای جامعه در نقطه اشتراک "فراموش شدن" برای مجرم و "فراموش کردن" برای جامعه صورت میگیرد. اما موارد زیر نقاط تفاوت آنها هستند:

اول تفاوت بین عفو و بخشش؛ عفو، با وضع قانون و بخشش با عفو خصوصی از سمت رئیس دولت اعطا می‌شود. "عفو به صورت عمومی یک نوع وکلی در مواقع شرکت عده ی زیاد در مقاصد معین به موجب قانون خاص میباشد. اعلام این عفو قبل از دادرسی ممکن بوده و عفو مجازات در آن قطعی است و با از بین بردن آثار جرم و سلب شدن عنوان کیفری در عفو عمومی دیگر متهم حق اثبات بی تقصیری از طریق تعقیب دعوا را ندارد. عفو عمومی موجبات تعطیل شدن اجرای حکم کیفری را فراهم می آورد." (جعفری لنگرودی-۱۳۷۸-۴۵۴)

عفو خصوصی به موجب قانون است ولی مانند عفو عمومی با وضع یک قانون خاص همراه نمی باشد. همچنین عفو اقدامی خیرخواهانه است که با توجه به اوضاع و شرایط خاص اعطا می گردد. اما مرور زمان مصلحت اندیشان نبوده و ویژگی کلی، مجرد و خودکاری را دارا است. (رضوی فرد-۱۳۹۰-۲۴۱)

در بند ۵ ماده ۶ پروتکل دوم الحاقی به کنوانسیون های چهارگانه ژنو راجع به درگیری های مسلحانه غیر بین‌المللی این چنین گفته شده است: "مقاماتی که قدرت را در پایان مخاصمات در اختیار دارند باید سعی در عفو افراد شرکت داشته در درگیری یا اسیر و بازداشت شده در خلال آن داشته باشند." در این متن فقط از عفو یا عفو عمومی استفاده شده است اما در تفسیرها این موضوع به عفو خصوصی هم ربط داده شده است.

(Sandoz\_Zimmermann\_Swinarski 1986\_1426)

عفو با تغییرات ماهیت و نوع درگیری های ارتکابات شدید به شدت در مرکز توجه قرار گرفت.

با گذشت زمان مرور زمان بر دعوای کیفری تأثیراتی داشته و این در حالی است که عفو ارادی بوده و از طرف نهادهای حکومتی اعمال می‌گردد.

تلاش در جهت نفی مرور زمان برای جنایات بین‌المللی یکی از اقدامات جامعه بین‌المللی در زمینه مبارزه با بی‌کیفرمانی بوده است. از این رو در کنار اقداماتی چون عفو و بخشش دیگر مرور زمان می‌تواند بهانه‌ای برای محاکمه نکردن مجرمان بین‌المللی باشد. نفی مرور زمان در دو سطح حقوق معاهده‌های و حقوق عرفی قابل بررسی است.

نفی مرور زمان در اسناد متعدد هنجاری و معاهده‌ای بیان شده و می‌توان از کنوانسیون‌های مهم در این باره کنوانسیون ۱۹۷۴ و ۱۹۶۸، اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی ۱۹۹۸ و نیز اساسنامه شعب فوق‌العاده سنگال در باره ی محاکمه حسین هاپره در سال ۲۰۱۳ را نام برد. برخلاف آن‌ها کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۴۹ به این قاعده و پروتکل‌های آن اشاره ای نکرده اند. انجام پذیرفتن جرم انگاری ممنوعیت‌های درج شده در اسناد و مدارک حقوق بین‌المللی بشردوستانه نیز با تاسیس مراجع کیفری و تدوین اسناد دیگر ممکن گشت.

با توجه به اسناد حقوق هنجاری به نظر می‌رسد در نفی مرور زمان در حقوق معاهده ای تردیدی وجود نداشته و تردید اصلی را ماهیت عرفی نفی مرور زمان ایجاد می‌کند.

عضویت در اسناد معاهده ای خلاء ایجاد میکند که تلقی نفی مرور زمان میتواند آن را تحت عنوان یک قاعده ی عرض حل کند. یکی از تأثیر گذار ترین عوامل در شکل‌گیری قاعده عرفی پیش‌بینی نفی مرور زمانو الحاق آن به برخب از کنوانسیون‌های بین‌المللی و ضرورت اصلاح شدن قانون اساسی برای رفع تعارضات موجود بین قانون اساسی و مقررات موجود در اساسنامه ۱۹۹۸ رم نام برد.

در ماده ۲۹ اساسنامه دیوان کیفری، تدوین نفی مرور زمان و تسری آن به کلیه جنایت تحت صلاحیت دیوان، نشان دهنده خواست جهانی برای از بین بردن جنایت بین‌المللی است. (رمضان قوام آبادی-۱۳۹۲-۹۲)

از جمل پیش‌بینی‌های اساسنامه رم برای مبارزه با بی‌کیفری " نفی مرور زمان" می باشد. (نژندی منش-۱۳۹۵-۱۰۸) اساسنامه روم ارزشمندترین گام را برای نهادینه کردن عدم شمول قواعد مرور زمان برداشت و در این جریان پیشنهاد های متفاوتی از جمله تعیین مرور زمان برای دسته از جنایات و حتی پیشنهاد حذف کامل مرور زمان برای جنایات وجود داشت. کشورهایی مثل فرانسه پیشنهاد به کارگیری از مرور زمان برای جنایت جنگی و حذف آن برای دیگر جنایات را داشتند، ژاپن پیشنهاد حذف مرور زمان برای کلیه جنایات و به غیر از جنایاتی که دیوان تشخیص دهد رسیدگی عادلانه به آن ممکن نیست را داشت و در آخر پیشنهاد کشورهای که مرور زمان را از جنایات مربوط به صلاحیت دیوان نفی می کرد مورد قبول واقع شد، و به این صورت ماده ۲۹ اساسنامه مبنی بر این شد که "جنایاتی که مشمول صلاحیت دیوان می‌شوند شامل هیچگونه قاعده مرور زمان نباشند."

بر اساس ایراداتی که از سوی موافقان قاعده مرور زمان گفته شد اگر رسیدگی به جنایتی در قانون ملی یک کشور به لحاظ مرور زمان متوقف شود، در صورت حذف مرور زمان در اساسنامه دیوان، دیوان قابلیت تعقیب جنایت را خواهد داشت. (شریعت باقری-۱۳۹۴)

به موجب این اصل وظیفه اولیه رسیدگی به جرایم به عهده محاکم ملی کشورها است و اگر بنا به شرایطی قوانین آن کشور برای آن جنایت حد و مرز و زمان تعیین کرده باشد، دیوان به موجب ماده ۲۹ موضوع قابل پذیرش اعلام میکند.

عقیده طرفداران مرور زمان این بود که اگر این قاعده از دیوان بین‌المللی حذف شود، کشورها باید این قاعده را وارد نظام خود کنند. در غیر این صورت نیاز به این کار نبوده و دیوان بین‌المللی صلاحیت رسیدگی به جرم را در صورت استنکاف محاکم ملی خواهد داشت.

در هر صورت نتیجه اعمال نفوذ مرور زمان برداشتن یکی از مانع‌های بی‌کیفرمانی است.

### ۱. مبانی نفی مرور زمان در اسناد بین‌المللی کیفری:

نظام‌های حقوق ملی در صدد تامین خواسته‌های مختلفی با پیش‌بینی مرور زمان در قوانین داخلی خود بودند و به همین علت مرور زمان به گونه‌ای مانع در مقابل راه‌آفامه دعوی حقوقی و کیفری می‌باشد. از مهمترین اهداف جلوگیری از انباشت دعاوی، حفظ حقوق متهمان و خواندن دعوا می‌باشد. اگر کسی ادعا دارد که حقوق وی نقض شده است، باید به سرعت در جهت احیا و احقاق حقوق خود اقدام کنند زیرا با گذشت زمان، ارزش دلایلی که برای اثبات دعاوی وجود داشت از بین می‌رود.

اما برخی جرایم به دلیل نقش بستند در اذهان عمومی هیچگاه با گذشت زمان فراموش نشده و فقط با اجرای عدالت خاتمه می‌یابند.

تاکید حقوق بین‌المللی اکثراً بر تعقیب و مجازات مجرمان جنایت‌جویی، جنایت ضد بشریت و نسل‌زدایی می‌باشد و نفی مرور زمان مستقیماً به آنها نمی‌پردازد.

در اسناد بین‌المللی نفی مرور زمان به عنوان شناسایی قاعده عرفی قابل بررسی می‌باشد.

مولفه‌های مهم در ارزیابی‌های ماهیت و جایگاه نفی مرور زمان در جنایات بین‌المللی:

۱. استقبالی که از سوی دولت‌ها نسبت به این اصل صورت گرفت و مدت زمان مندرج در کنوانسیون‌های مرتبط با آن.

۲. بررسی ماهیت جنایات تحت مشمول نفی مرور زمان قرار گرفته شده.

۳. تصدیق دادگاه بین‌المللی رواندا در خصوص قضیه ژان پل آکسیو (سال ۱۹۹۸\_دوم اکتبر) و اجرای نفی مرور زمان برای چنین جنایات شدید.

جنایاتی که مشمول مرور زمان نمی شوند توسط ماده ۱ کنوانسیون سال ۱۹۹۶ "جنایات شدید" نام برده شده و کنوانسیون ژنو حمایت خود را از رزمندگان و افراد غیر نظامی اعلام داشته است و حمایت از آنها را حتی تا زمان تعقیب و مجازات جنایتکاران نیز ادامه خواهد داد. با نفی مرور زمان در رسیدگی های قضایی می توان مانع از فرار مرتکبان از عدالت شد.

بر اساس اساسنامه رم ۱۹۹۸ که باعث شکل گیری یک قاعده عرفی در حقوق بین المللی بود و خط بطلان بر مرور زمان کشیده شد و الحاق بیشتر از 120 کشور به آن، می تواند نشان دهنده ی استقبال زیاد جامعه بین المللی به تاسیس دیوان کیفری باشد.

تکرار قاعده نفی مرور زمان در باره جنایات بین المللی را می توان از نفی آن در سطح بین المللی و منطقه ای دریافت.

در این مقاله تلاش برای شرح موانع پذیرش و نفع نهاد مرور زمان صورت گرفت. طبق بررسی صورت گرفته از مرور زمان در حقوق داخلی ابتدا به نظر می‌رسید که مرور زمان مسئله عقلانی و کاملاً مورد نیاز هر جامعه ای می باشد و باعث ایجاد هرچه بهتر عدالت خواهد شد.

و به نوعی خیرخواهی و با هدف فصل خصومت بوده است. در خصوص آن گفته شد که وقوع جرم سبب ایجاد نگرانی در جامعه می‌شود و برای بازگرداندن آرامش نیاز به مجازات مجرم است. حال اگر به دلایل مختلفی مجازات طی مدت طولانی انجام نگرفت، به نفع جامعه است که از مجازات دوباره پس از مدت طولانی چشم‌پوشی کند، زیرا زیان آن برای جامعه بیشتر از خیر آن خواهد بود.

علاوه بر این که عواملی چون از بین رفتن مدارک جرم، ترس طولانی مدت از مجازات، تخریب و صدمه زدن به پایگاه اجتماعی و خانوادگی مجرم، سقوط حق و شکل‌گیری حق مکتسب با گذشت زمان برای مجرم در ارتباط با استفاده از مرور زمان در جوامع گفته شد. و نظریه های متفاوت درباره مرور زمان و پذیرش این نهاد توسط اکثر کشورها و همچنین تلاش جامعه بین المللی برای نفی مرور زمان در خصوص جرم های بین المللی باعث شد که مرور زمان در کنار عفو و بخشش حقی برای محاکمه نکردن جنایتکار داشته باشد.

همچنین بررسی سطوح مرور زمان در دو سطح معاهده‌ای و حقوق عرفی در حقوق بین الملل کیفری، به اسناد متعددی در خصوص نفی مرور زمان پی برده شد و عدم اشاره کنوانسیون‌های ۱۹۴۹ ژنو و پروتکل های الحاقی و تاسیس مراجع کیفری در جرم انگاری ممنوعیت های مندرج در اسناد حقوق بین الملل از مطالب مورد بحث در خصوص مرور زمان بودند. همچنین اسناد حقوقی هنجاری نیز تأکید بر نفی مرور زمان و تردید کمی در نفی مرور زمان در حقوق معاهده ای باقی می‌گذارند؛ تردید اساسی در این باره مربوط به ماهیت عرفی نهاد نفی مرور زمان است که خلاء ایجاد شده از عضویت نداشتن در اسناد معاهده‌ای را میتواند تحت عنوان یک قاعده عرضی تکمیل کند.

شکل‌گیری قاعده ارزی این نهاد توسط پیش‌بینی نفی مرور زمان، الحاق به برخی کنوانسیون ها و ضرورت اصلاح تعارض بین قوانین اساسی و مقررات اساسنامه ۱۹۹۸ انجام پذیرفت؛ و طبق تدوین ماده ۲۹ اساسنامه دیوان کیفری بین المللی عزم جامعه جهانی برای از بین بردن جنایات صورت گرفت.

در هر صورت یکی از موانع بزرگ بی کیفر مانی، نفی مرور زمان در سطح جوامع و بین الملل بوده است.

- ۱- استفانی، گاستون؛ لواسور، ژرژ؛ بولک، برنارد، 1383، آیین دادرسی کیفری، ترجمه: دکتر حسن دادبان، تهران: انتشارات علامه طباطبایی.
- ۲- آخوندی، محمود- 1388- آیین دادرسی کیفری، تهران: انتشارات سمت.
- ۳- آشوری، محمد- 1389- آیین دادرسی کیفری، تهران: انتشارات سمت.
- ۴- بکاریا- سزار- 1397- رساله جرایم و مجازات‌ها، ترجمه: محمدعلی اردبیلی، تهران: نشر میزان.
- ۵- جعفری لنگرودی- محمد جعفر- 1378- ترمینولوژی حقوق، تهران: گنج دانش.
- ۶- خالقی- علی- 1396- آیین دادرسی کیفری، تهران: شهردانش.
- ۷- دهخدا، علی اکبر، 1380، لغت نامه، زیر نظر محمد معین، تهران: انتشارات علمی.
- ۸- رضوی فرد، بهزاد، 1390، حقوق بین‌الملل کیفری، تهران: نشر میزان
- ۹- رمضان‌ی قوام آبادی، محمدحسین، 1392، نفی مرور زمان در حقوق بین‌الملل کیفری، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۴.
- ۱۰- زراعت، عباس، 1393، آیین دادرسی کیفری، تهران: نشر میزان.
- ۱۱- ساریخانی، عادل، 1381، مطالعه تطبیقی مرور زمان در حقوق کیفری اسلام، ایران، فرانسه و مصر، رساله دکتری، دانشگاه تربیت مدرس.
- ۱۲- شریعت باقری، محمد جواد، 1384، حقوق کیفری بین‌المللی، تهران: انتشارات جنگل.
- ۱۳- گروه مؤلفان، 1389، فرهنگ حقوقی مجد، تهران: انتشارات مجد.
- ۱۴- مرعشی، سیدمحمدحسن، 1379، دیدگاه‌های نو در حقوق کیفری اسلام، تهران: نشر میزان.
- ۱۵- نجفی، محمد حسن، بی‌تا، جواهر الکلام، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.
- ۱۶- نجفی، محمد حسن، بی‌تا، جواهر الکلام، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.
- ۱۷- نژندی منش، هیبت الله؛ علویان، مطلب؛ دادگر، علی، 1395، سازوکارهای دیوان بین‌المللی کیفری برای مبارزه با بی‌کیفری، فصلنامه قضاوت، شماره 88.
- ۱۸- نژندی منش، هیبت الله؛ علویان، مطلب؛ دادگر، علی، 1395، سازوکارهای دیوان بین‌المللی کیفری برای مبارزه با بی‌کیفری، فصلنامه قضاوت، شماره 88.
- ۱۹- نوربها، رضا، 1392، زمینه حقوق جزای عمومی، تهران: گنج دانش.

- 20- Della Morte, G. (2006) «L'amnistie en droit international», [www.esil-sedi.eu/english/Paris\\_Agora\\_Papers/Dellamorte.PDF](http://www.esil-sedi.eu/english/Paris_Agora_Papers/Dellamorte.PDF).
- 21- Delmas-Marty, M. (2002) «La responsabilité pénale en échec (prescription, amnistie, immunités)» in Cassese, A. et Delmas-Marty, M. *Juridictions nationales et crimes internationaux*, Paris: Puf.
- 22- Ruiz Fabri, H., Della Morte, G. et Lambert-Abdelgawad, E. (2006) «Les institutions de clémence en Europe», *Archive de Politique Criminelle*, N. 28.
- 23- Sandoz, Y., Swinarski, Ch. et Zimmermann, B. (1986) *Commentaire des Protocoles additionnels du 8 juin 1977 aux Conventions de Genève du 12 1949*,
- 24- Seibert-fober, Anja; *The fight against Impunity under the International covenant civil and political rights*, Kluwer Law International, Netherland, 2002.